

پیشش در سور خلق

تقدیم به پیشمرگان کردستان بمناسبت ۲۶ آذر
رهسپاران راه دور را ای در شما کشیده
سره فواره های بلند آرزوی به محفل آذرین
ما خوش آمدید، خوش آمدید ای مرغان فرخ
بی فرخنده پیام که آسمان امیدمان با فرود
زیباستان ستاره باران است.

مشران آرمان آزادی را ای شفته در
گامهای استوارتان پیام سوسن رشتگاری را به ما
۳

مشکل دوستان خارجه نشین

اگر انقلاب سراسری خلقهای ایران در سالهای
۵۷ - ۵۶ با وجود زمینه های پیشین، تا حد زیادی
ناگهانی و بدون برنامه ریزی لازم شروع شد و به همین دلیل
در نیل به آرمانهای دمکراتیک خود ناکام ماند، جنبش
ملی - دمکراتیک کردستان نیز زیر تأثیر این وضع کلی
قرار گرفت و در حقیقت می شود گفت که مبارزه مسلحانه تا
حدودی پیش از موقع آغاز گردید. در قیام شکوهمند
مردم ایران علیه رژیم پادشاهی، افسانه قدر قدرتی
۴

اطلاعیه کمیته مرکزی

حزب دمکرات کردستان ایران بمناسبت

برگزاری اجلاس کمیته مرکزی «پلنوم»

کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران
با افتخار اعلام میدارد که از روز یازدهم
آذرماه به یک نشست وسیع اقدام کرده و پس از
۵ روز بحث در مورد مسائل مربوط به حزب
و جنبش، در روز شانزدهم آذر آنرا با
موفقیت کامل پایان رسانده است.

این پلنوم که نخستین پلنوم پس از
شهادت دو تن از اعضای برجسته کمیته مرکزی
دکتر عبدالرحمن قاسملو دبیر کل حزب
و عبدالله قادری مسئول تشکیلات حزب در خارج
بود، با یک دقیقه سکوت بپای شهیدان بویژه
این دو شهید بزرگ آغاز بکار کرد.

کمیته مرکزی، نخست با اتفاق آرا رفیق
مبارز دکتر صادق شرفکنندی معروف به دکتر
۲

در این شماره:

تداوم تروریسم دولتی

بخشی از سیاست عمومی

۱۰ رژیم

تگرشی بر عملیات پیشمرگان در

۱۳ ماههای گذشته سال ۶۸

۱۵ رفسنجانی و ملت های تحت ستم!!!

۱۶ نگاهی به اخبار

درگذشت ساخارف

در مراحل نهایی جسد
"کوردستان" با خبر شدم که
متأسفانه پرفسور انیسندره
ساخارف فزیکدان و مدافع
بلند آوازه، حقوق بشر در
شوروی بدرود حیات گفته است.
پرفسور ساخارف که به بدر
بمب اتمی شوروی اشتها ساز
داشت، در دوران دیکتاتوروی
خفقان، دهها سال شعامانه

وحدت دو بخش آلمان؟!!

جنبش دمکراسی خواهانهای
که با برسر کار آمدن میدانیل -
گاریاچوف در اتحاد شوروی
شروع شد و در سال ۱۹۸۹ بخش
وسیعی از کشورهای اروپای شرقی
را فرا گرفت، به گونه ای کم نظیر
توجه افکار عمومی جهانی را به سوی
خود جلب کرده است. مبالغه
نخواهد بود اگر بگوئیم مسولات
اخیر کشورهای سوسیالیستی

اطلاعیه کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران بمناسبت

برگزاری اجلاس کمیته مرکزی «پلنوم»

بقیه از صفحه ۱

ایجاد هماهنگی و رابطه نزدیکتر با سازمانها و شخصتهای دمکرات و ترقیخواه ایرانیستی بمنظور همکاری و هم‌رزمی و تشکیل یک جبهه متحد برای مبارزه با رژیم جمهوری اسلامی و سرنگونی این رژیم، و سرانجام تلاش در جهت تامین حقوق انسانی و دمکراتیک خلق کرد در سطح بین المللی را ترسیم نمود.

پلنوم کمیته مرکزی آخرین بخش از کارهای خود را به تقسیم کار در بین اعضای خود اختصاص داد. پس از مشخص کردن وظایف ویژه هر یک از اعضای کمیته مرکزی و تعیین مسئولان کمیته‌ها و تشکیلات حزبی، یکی از رفقای حزب را به مشاورت کمیته مرکزی برگزید.

این پلنوم بدون شك یکی از موفقیت‌آمیزترین نشست‌های کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران بشمار می‌آید. پلنوم بروشنی نشان داد که حزب دمکرات تا چه حد پیمانی که با مردم انقلابی کردستان بستند است وفادار، و تا چه اندازه در ادامه مسیر پر از افتخار و سروری شهیدان راه آزادی و مبارزه در جهت کسب دمکراسی و خودمختاری مصمم و پیگیر است.

کمیته مرکزی

حزب دمکرات کردستان ایران

هیجدهم آذرماه ۱۳۶۸

سعید را به دبیر کلی برگزید. آنگاه اعضای دفتر سیاسی را معین نمود و سپس از بین اعضای دفتر سیاسی جانشین دبیر کل را نیز انتخاب نمود.

پلنوم آنگاه جهات گوناگون فعالیت حزب را در فاصله زمانی بین این پلنوم و پلنوم قبلی که در اسفند ماه سال ۶۷ برگزار شده بود مورد بررسی قرار داد. در این بررسی هم نقاط قوت و هم نقاط ضعف فعالیت حزب بروشنی و مراحات مورد ارزیابی قرار گرفتند. در بین نقاط قوت، بر یکپارچگی و اتحاد مستحکم همه صفوف حزب، فعالیت کم نظیر نیروی پیشمرگ، و پشتیبانی و همکاری بیدریغ مردم کردستان بویژه بدنیال شهادت رهبر کبیر حزب و خلق دکتر قاسملو، همچون نقاط موجب افتخار و مایه بسی امید و دلگرمی انگشت نهاده شد.

در همین رابطه کمیته مرکزی سیاهای گرم و حق شناسانه خود را تقدیم همه دوستان و هواداران حزب و جنبش و سازمانها و شخصتهای سیاسی و غیر سیاسی کردستانی، ایرانی و جهانی نمود که همیمانان حزب را یاری رسانده و با آن همدردی کرده اند.

پلنوم کمیته مرکزی سپس به تطیل وضع سیاسی ایران، ارزیابی موقعیت رژیم، و بحث در مورد شرایط کنونی و دورنمای آینده پرداخت. در این بخش خطوط اساسی فعالیت‌های حزب با دقت مورد بحث قرار گرفتند و چهارچوب عمومی فعالیت‌ها در زمینه‌های: ادامه قاطع مبارزه سیاسی و تشکیلاتی و مسلحانه در داخل کردستان،

پرشش در سور خلق

بقیه از صفحه ۱۰

گوئید که چشمه زلال رهایی
 کجاست؟ خورشید از کدامین
 قله در هر سحرگاه برشاند -
 هایتان بوسه میزنند؟ و سر
 تدبیر دور پروازی هایتان
 در سیر دوران محبسطی
 کدامین کهکشان بر کوکب را
 احاطه می نماید؟
 هلامهیان ارس بسوخته
 غزلخوانانمان! باشمائیم و با
 شما که از اقصی نقاط
 کردستان روز تبار می آئید!
 به ما بگوئید در کدامین
 ساعت فرخ دروگران شیب
 بوده اید با داسهای نورا
 و این طار نقره ای مهتاب
 نشسته بر قامتتان آیا غبار
 آبشار "سوله دوکل" است؟
 هلا شهبازهای نشسته بر
 دستان استوار کبله شین! ای
 در بحر بیکران آرمستان
 زمردینتان و بادبان کشیده
 زورقهای فتح، شتابان رونده!
 به ما لب تشنگان گوئید
 دیدارن بگوئید که محوم
 آوارو آس و بارش سرب
 گدازان و طوفان غیوم سیاه
 باروت را چون تاب تیران
 آوردن؟
 قندیل! قندیل! سحر
 حاودانگی زاب و رنگهای بیکره
 مرکز کعبه ام! ای بر دامن
 پاکب سرورده شیرا و ژنکان
 طایفه نورا! جلوه کن در محفل

آذربینمان!

سرداران بارویدار سامر -
 ندان! ای دستهایتان گشاینده
 فصل برکت و فلاح! لای پیکان
 امین سوره عمق روشنی فردا!
 به ما بگوئید که ارواح
 کدامین ادراک آمده اید که
 کلامتان چلچراغ روشنی بخش
 ذهنهای همیشه جویای ماست؟
 و شما! ای میراثداران
 سردار سیده و سحر! ای
 میعادگاهتان جوارح برای
 همیشه بهار! راستی شکوفه
 فروردین را با ترتیب
 اوراد کدامین سوره رهایی ما
 میرویانید که در پی زواک
 و داهاتان بر اقصی نقاط
 کویر شرق میهن یک جنگل سیزه
 و زاله میروید؟
 بیک های طوفان "تیره غه"!
 ای عزمتان تن بوش برهنگی
 درختزارها! بر ما فاش
 کنید که خاطر سبز بهار کی
 در شعله شفق تک های سرختان
 در ذهن خاک کردستان ظهور
 خواهد کرده و عشق بسا
 پهنه های بلورینش بر گیسوان
 آویخته سحر شانه خواهد زد؟
 پلنگان سرمست از غرور
 بورش! جوهر خاراکی نرخیان
 از سترگیان جاری! بگوئید
 زبنا لحظه های بورش را چگونه
 از ارایه زمان میرباید که
 حتی برف و شراره باروت
 و تندر در تیزتکتان چنین
 آسیمه سر به مرزهای ناباوری
 میگریزد؟ بنمائید حجم هندسی
 غیرت در عرصه سندان خورشید -

بشان چگونه شکل میبندد؟

کاشفان راز سر به مهر
 سرفرازی گیارنگ! ای در سرا
 سای شنیدنی درفش گونه تان
 جاری و سال وزن طراوت!
 واژه پیروزی را در آشفنگی
 ذهن مسهن خونین اقطارمان
 چگونه تاویل می کنید که
 کوهساران سالهای نومیدی
 در هرم تابستانی تفسیر حرف
 پیروزی سمت مبهم مرگ را
 در پیش میگیرند؟ و پرده
 خواب را کی به چهار منگ
 آگری خواهد آویخت تا سرخ
 تباران لاله ردای کردستان
 دمی بیاسایند؟
 فروتن فاتحان رفعت
 سردر مه آریابا! ای نشسته
 بر شارکتان همای سیمین بال
 صبحدم! تارای روشن دیخور
 ایران کی از خاستگاه
 کردستان به پیشانی سفال
 نیلی این سقف حزن و بغم
 عروج خواهد کرده و مفاتیح
 رهایی هزاران نعم بزحصر
 را در کدامین تقابل برج از
 درج سیاه دژهای شبه غنیم
 خواهید آورد؟
 برتباران آفندگر اقلید
 افشار! ای در شما شناس
 قامت رعنا بیستانی سقر
 بنمائید که بر اشتطاب
 معصومترین کمبوتران تشنه
 آزادی در کدامین لحظه
 مالا مال از موج روان مین
 در گود مهربان دستهایت
 نقطه پایان میبندد و
 بقیه در صفحه ۱۷

مشکل دوستان خارجه نشین

بقیه از صفحه ۱

ارتجاع حاکم سرما" درهم ریخت و در نتیجه توده‌های مردم طوری بی‌خیابانها ریختند و همه رنگ انقلابیگری بخود گرفتند که تشخیص مبارز از غیر مبارز ، انقلابی از مرتجع ، خلقی از ضد خلقی و دلیر از ترسو نه تنها دشوار بلکه عملاً "غیر ممکن بود .

این وضع تا هنگامی که ارتجاع تازه نفس یعنی ارتجاع آخوندی نتواند حد و دایره‌ای پای خود را محکم کرد و بتدریج از جوهر و محتوای ضد خلقی خویش پرده برکرفت ، ادامه داشت .

اینجا بود که سوره از ناسره متعاضبت گشته و انقلابیون واقعی از فرصت طلبان تمیز داده شدند . آنهایی که با آگاهی و با اراده‌ای انقلابی پا به میدان مبارزه نهادند در برابر تجاوز

ارتجاع به حقوق و آزادیهای مردم به مقاومت برخاستند و سینه و دادر برابر کوله " ضد خلقیان سیر ساختند . آنها زندان ، شکنجه و اعدام را به جان خریدند اما زیر بار خواسته‌های

ارتجاعی رژیم جدید نرفتند . کسانی نیز که انقلابیگری و فعالیت و مبارزه را در سردادن شعارهای "زنده باد و مرده باد" در خیابانها آزموده بودند ،

یا مطابق سلیقه "آخوند ها ریش گذاشتند و روسری و حجاب اسلامی به سر کردند ، و به بلندگوی رژیم تبدیل شدند یا چمدانهای خود را بستند و راه اروپا ، آمریکا ، کانادا و

سایر نقاط دنیا را در پیش گرفتند .

بهترین حالت سر در لاک خود فرو برده و به فرمان ولی فقیه گسردن گذاشتند . (چو دستی نشاید کزیدن بیوس) !!

در کردستان هم علاوه بر اینکه در دوره " مبارزه برای سونگونی رژیم شاه ، که وضع کم و بیش با دیگر نقاط ایران شباهت داشت ، پس از بسته قدرت رسیدن آخوندها ، شیوه‌های

مبارزه در آغاز عبارت از اغصاب ، تظاهرات ، انتشار اعلامیه و روزنامه و فعالیتهایی از این قبیل بود . به این خاطر از ازدحام پهلوان

پنجه‌ها جای سوزن انداختن نبود . احزاب ، سازمانها ، گروهها و انجمنهای " انقلابی و مترقی " اینجا و آنجا همچون فان بر زمین می‌رویدند . هر روزه دفترى افتتاح می‌شد و نابلویی آویخته می‌گردید .

اما چنانکه دیدیم این عصا بر " طلایی " دیری نیاید . ارتجاع آخوندی که در ماهیت ندانست به خواسته‌های خلق کرد پاسخ مثبت دهد و از گذشته پر حاشیه و احساسات

انقلابی مردم کردستان نیز بخوبی مطلع بود ، هراسان از اوجگیری جنبش انقلابی و برای اینکه به خیال خود این جنبش را در نطفه خفه سازد به کردستان هجوم آورد . از همان اولین روزهای حطه نظامی

رژیم به کردستان بخش عمده‌ای از آنهاييکه ناب مبارزه‌ای سخت و عطس از خود سراغ ندیدند کج قناعت

کزیده و کلاه خود را محکم چسبیدند ، تا از دستبرد طوفان انقلاب در امان بمانند .

با اینحال در کردستان مرزندها به سرعت میسر نشد . بسیاری از افراد ، گروهها و دسته‌ها بدین امید که مبارزه " مسلحانه بدراراز نخواهد کشید و پس از مدتی خواهند

توانست همچون يك قهرمان جنگهای آزاد بیخس به کار و زندگی خویش باز گردند ، با امواج انقلاب همسراه گشتند ، و لباس پرافتخار انقلابیون را به تن کردند . لیکن بعدها معلوم شد این لباس به تن آنها نامناسب

است . زیرا همینکه شرایط سخت تر شد و چشم انداز مبارزه " دراز مدت ، خود تمایسی کرد ، بخشی از این " سازمانهای " به اصطلاح انقلابی بار و بندیل خود را بستند و راه

گریز در پیش گرفتند . (اگر خواهی سلامت برکنار است) در صفوف سازمانهایی هم که

مبارزه " مسلحانه را به پیش می‌بردند ، در صف مقدم آنها حارب و حرکات کردستان ایران قرار داشت ، پایبای سخت تر شدن

شرایط مبارزه و به درازا کشیدن جنگ مسلحانه ، کنار کشیدند و بهانه جویبهای بیمورد آغاز شده و توسعه یافت . برخی بنام " انقلابی بودن نهاد های رژیم " ، بعضی

تحت عنوان پرهیز از " هموسی با امپریالیسم " ، دسته‌ای به بهانه " واهی " وابستگی جنبش به بیکنه " !! و خلاصه هر گروهی با انگیزه‌ای از انجام وظایف انقلابی شانه خالی کردند . از اینها برخی به

آغوش "اسلام عزیز" خریدند و عده‌های هم راهی "دیار غربت" شدند .
در اینجا کسانی که به هر بهانه‌های دیو یا زود میدان مبارزه را ترک کرده و مرافقانده خود را تسلیم دشمن کرده‌اند ، سخنی بمان نمی‌آوریم .
عده زیادی از اینان متناسب با موضوع و عملکردشان سزای اعمال خود را از دست پشیمانان یا از جانب خودهای مردم دریافت داشته‌اند و تفاوت نهایی در این باره بسیار آگاه خالق است که بر "نامه" اعمالشان "نظر افکند و برای هر کدام پاداش و یا کیفر لازم را معین کند .
موضوع بحث ما در اینجا دوستان و خواهران و برادرانی هستند که در ده سال گذشته کردستان را ترک کرده و به کشورهای بیگانه ، بویژه کشورهای اروپایی غربی پناه برده‌اند .
در میان این دوستان دو راز وطن ۳ دسته را می‌توان از هم تمیز داد .
گروه اول کسانی هستند که برای انجام وظایف سیاسی و تشکیلاتی ، با ادامه تحصیلات با موافقت و کمک احزاب و سازمانهای خویش به خارج رفته‌اند . گروه دوم خواهران و برادرانی هستند که در جریان ده سال جنگ مسلحانه یک یا چند عضو بدن خود را در راه آزادی خلقشان از دست داده‌اند ، و در نتیجه جنبش کردستان بخاطر آنکه این عزیزان بتوانند محالعه و مداوا شوند و با در شرایط مناسبتری زندگی نمایند و به آموزشهایی بپردازند که در آینده بحال خلقشان مفید افتد آنها را به کشورهای خارج اعزام کرده است .
گروه سوم که متأسفانه شمارشان از دو

دسته دینار بیشتر است کسانی هستند که علیرغم تمامی بهانه‌های ساختگی شان - توان ادامه مبارزه و حتی زندگی در شرایط سخت کردستان را در خود نیافتند و بنابراین به آب و آتش زدند تا بهر طریقی خود را به کشورهای بیگانه برسانند که از دست این کردستان "تفریب" شده "خلاصی" یابند .
اکثریت افراد گروه اول یعنی کسانی که برای ادامه تحصیل و یا برای احرای مأموریتهای سیاسی از سوی سازمان متبوع خود به خارج اعزام شده‌اند به شیخ جنبش مسلحانه کردستان و اهداف خلق خویش وفادارند و تا آنجا که در توان دارند در شناساندن جنبش خلق کوشش می‌کنند . این واقعیت نیز که زرق و برق دنیای غرب شمار اندکی از آنان را فریفته است و یا بسه لغزشهای فکری دچار آمده‌اند از قدر و احترام این اکثریت نخواهد کاست . اینان فرزندان وفادار خلق خود و مورد احترام همگانند .
گروه دوم یعنی کسانی که ضمن فد آکاریهای خویش در جریان چندین سال مبارزه مسلحانه در راه اهداف خلق کرد یک یا چند عضو از اعضای بدن خویش را از دست داده‌اند ، از گروه اول نیز بیشتر به سأل "برحق ملت خویش علاقه‌مندند . اینها در سخت جنبش ملی - دمکراتیک کردستان را با خون خویش آبیاری کرده‌اند و عضوی از اعضای بدن خویش را در دل خاک آن دفن نموده‌اند . اینان به سرزمین خویش وابستگی دارند و بخاطر آن زنده‌اند . لذا هر جا که باشند هوایی را

کردستان می‌وزد ، و اگر جنبش کردستان در جهت بهتر نمودن شرایط زندگی آنان کاری انجام داده باشد ، امری بجا بوده و بیشتر از آن را هم سزاوارند .
آنچه در این میان شایان توجه و یا در بیشتر موارد جای تعجب است مواضع گروه سوم یعنی کسانی است که یارای ادامه مبارزه عطفی را در خود نیافته‌اند و به زندگی در سنگر و نمان خشک اینان قناعت نورزیدند . توان ایستادگی در برابر دشمن و یارای راه پیمودن در میان میدانهای مین و شبکه پایگاههای رژیم را در خود سراغ نداشته‌اند ، در نتیجه دست بدان هر کس و ناگسی شده‌اند تا راه نجاتی را بدانان بنمایانند و برای آنکه خود را به اروپا و آمریکا برسانند و از دست این "تق و توق" رهایی یابند خود را بکام ازدها انداخته‌اند .
در این ارتباط ضروری است دو نکته را خاطر نشان سازیم : اول اینکه روی سخن تنها با کردهای ایرانی و عمدتاً با کسانی است که زمانی به نخوی از آنها با حزب دمکرات کردستان ایران در پیوند بوده‌اند . دوم اینکه قصد ما از این نوشتار بهیچوجه آن نیست که تمام کسانی را که در خارج سر می‌برند به بریدگی و سرخوردگی متهم کنیم و یا تصور نمائیم کلیه کسانی که از عضویت حزب خارج شده‌اند وطن خویش را به فراموشی سپرده‌اند ، زیرا تا آنجا که ما اطلاع داریم بسیاری از آنان هنوز سرزمین خود را دوست می‌دارند و اگر از دستشان کاری برآید در انجام



آن می‌کوشند.

بهر حال آن دسته از کردهای ایرانی مقیم خارجه که مدتی در جنبش کوردستان شرکت داشته و زمانی که قافیه بر آنها تنگ شده آن را به حال خود گذاشته و رفته‌اند. هم‌اکنون انگار بیم و سحرنگوی جنبش کوردستانند. هر روز یکی از آنها بر بالای منبر می‌رود و از برج عاج خطاب به سازمانهای درون جنبش کرد به ایراد سخنرانی می‌پردازد. اینان به خود حق می‌دهند خود را قاضی کنند و حکم حکومت این و آن را صادر نمایند. به رهبری جنبش کوردستان "اندرز" پدران! بدهند که متأسفانه بنظر می‌رسد ناشنیده گرفته می‌شود! معلوم نیست این حضرات که هزاران کیلومتر از کوردستان دورند و تنها از طریق رادیو و روزنامه - آن هم به شرط وارد بودن به زبان بیگانه و داشتن حال و حوصله گوش دادن و خواندن - می‌توانند از اوضاع کوردستان آگاهی یابند، چگونه متخصص در مسأله گرد شده و نسخه همه دردها را آماده در جیب خود دارند؟!

جالب اینکه کسانی که این جرات را در خود نیافتند و یا در شان خود ندیدند که در داخل کوردستان عملاً "خاری از پای این خلق ستعدیده درآورند" چگونه اکنون سازمانهای کوردستانی و بویژه حزب دمکرات را محکوم می‌نمایند که چرا از شعار خودمختاری دست‌نمی‌کشند؟ چرا که این دستان خود شعار کوردستان بزرگ سر می‌دهند و به حذف یک وجب از آن رضایت نمی‌دهند! در حالیکه حتی بخود

زحمت نمی‌دهند دستکم دو سه سال یکبار به بخش کوچکی از این کوردستان بزرگ سری بزنند و از نزدیک با مردم دستکش آن روبرو گردند.

از حق نگذریم این دستان بیسکار هم نشستند، احزاب و سازمانهای تشکیل داده و چند روزنامه "ارکان" هم منتشر می‌کنند. عیب کار در این است که قادر نیستند نشریات خود را به کوردستان برسانند تا خلق کورد از آنان درس سیاست، مبارزه و تلاش و شعار دادن را بیاموزد! یکی "ثلا"ی کوردستان یکپارچه و متحد را برمی‌افزارد، دیگری که از کاروان پرافتخار عصر جدید عقب مانده و هنوز در تصورات دوران استالینیستی است افکار "مردمی نوی" را نشر می‌دهد و بالاخره عده‌ای هم برای اینکه کسی در بارهشان به این توهم نیفتد که بطور موقتی به اروپا رفته‌اند، و قصد برگشت به کوردستان را دارند، "هوارک" = بیلاق را به "هاوارک" = فریادگاه تبدیل می‌کنند، و خیلی چتهایی عجیبتر و شعارهایی تندتر.

راستی را بخواهید ما مشک این دستان را درک می‌کنیم. هنگامیکه آنان در جنبش کوردستان شرکت داشتند چون به لباس انقلابیون درآمده بودند نزد مردم قدر و احترامی داشتند و حال که رحمت به اروپا کشیده‌اند خواهی نخواهی از آنان نه نامی مانده است و نه نشانی، بنابراین با دست زدن به چنین کارهایی می‌خواهند "سری در میان سرها" پیدا کنند. بخلاوه محتمل است برخی از این دستان فلها

مایل باشند به خلق کرد خدمت کنند. لیکن به عقیده ما راه را درست انتخاب نکرده‌اند آنان باید گوی از نیروهای انقلابی کوردستان نه تنها منشأ خدمتی به خلق کرد نخواهند شد بلکه خواهی نخواهی غیر مستقیم دشمنان حقوق و آزادیهای خلق کرد را کمک می‌رسانند. کسانی که خیال می‌کنند با تلاش در جهت تضعیف نیروهای فعال جنبش کورد می‌توانند به نوایی برسند سخت در اشتباهند. چرا که هرگاه جنبش انقلابی در کوردستان در میان نباشد کسی سخنان "حکیمانه" این دستان را به پیشی خریدار نخواهد بود.

شاید برخی از این حضرات - برای فریب خود، نه کسانی دیگر - ادعا نمایند که علیه جنبش کورد به اقدامی دست نزده‌اند و تنها بر علیه حزب دمکرات به تبلیغ پرداخته‌اند، در این صورت آیا می‌توانند بگویند اگر حزب دمکرات را از دور خارج کنیم این که این حزب یا سازمان است که جنبش کوردستان ایران را رهبری می‌کند؟ سازمانهای وسیع و انقلابی!! آنها یا گروههای کوچکی که گاهی اوقات کدازشان به کوردستان می‌افتد، لیکن اکثر آنها از سرشان کدتر است؟

براستی دستان خارجه نشین ما اگر بخواهند می‌توانند هم احساس درونی خود را اضا نمایند و هم به جنبش انقلابی کوردستان و مسأله کرد خدمتی ارائه کنند. و راه درست هم این است که بجای تلاش در کوردین و بدنام کردن این یا آن حزب و

وحدت دو بخش آلمان؟!!

بقیه از صفحه ۱

بیشترین بخشار برنامه‌های خبری رادیو تلویزیون و مطبوعات کشورهای جهان را به خود اختصاص داده است. بویژه در چهار ماهه پایانی سال ۱۹۸۹، اخبار رویدادهای اروپای شرقی همیشه در ردیف مهمترین اخبار روز بوده و به دقت مورد تفسیر و تحلیل واقع گشته‌اند.

روند نوسازی و دموکراتیزاسیون در کشورهای سوسیالیستی هم در داخل و هم در خارج از کشورهای سوسیالیستی با استقبال پر شور روبه‌رو شده و مورد پشتیبانی همه انسانهای آزاداندیش و آزادپذواه واقع گردیده است.

مخالقان این روند تنها دودسته بوده و هستند: دسته اول بخشی از رهبران کشورهای سوسیالیستی می‌باشند. آنها که هرکدامشان دهها سال خود را بر سر نوشت خلقهای کشورهای مزبور تحمل کرده و هم‌اکنون نیز می‌کوشند تا آنجا که در توان دارند در آن زمانمندی خود را با همان شیوه‌های سابق طو لانی تر نمایند و نگذارند مردم آزادانه در مورد مسائل زندگی و اداره کشور به ابراز نظر بپردازند، تصمیم بگیرند و اجرا نمایند. دسته دوم پاره‌ای از احزاب و سازمانهای چپ متعصب در خارج از کشورهای سوسیالیستی می‌باشند که دهها سال است با همه توان خود

در تبلیغ سیستم دیکتاتوری و تک‌حزبی پوشیده و همیشه رؤیای تشبیت "دیکتاتوری پرولتاریا" را که در واقع نام مستعاری برای دیکتاتوری حزبی و گروهی و حتی فردی می‌باشد در سر پروراندند. اینان نه می‌بینند کلیه تحلیلها و دیدگاههایشان غلط از آب درآمده و برتزه‌هایشان مهر بر بطلان زده می‌شود و هر روز در یکی از کشورهای سوسیالیستی در دیکتاتوری ترک برمی‌دارد، احساس بی‌آیندگی می‌کنند. و وضع رقت‌انگیزی گرفتار آمده‌اند. زیرا نه قادرند این روند عظیم و تاریخی و تاثیرات آن بر افکار توده‌های مردم و حتی اعضا و هواداران سازمانهایشان را از حرکت بازدارند، نه شهامت آن را در خود سراغ دارند که به اشتباه بودن دیدگاههای گذشته خود



مشکل دوستان خارج نشین

سازمان سیاسی درون جنبش سلحمانه کوردستان تا آنجا که در توان دارند با تمامی گروهها و سازمانهای آن مناسبات دوستانه برقرار سازند و سعی نمایند از طریق این گروهها از اخبار کوردستان و سیاستهای ضد خلقی جمهوری اسلامی نسبت به خلق کرد آگاهی یابند و در حد توان - آن بخش از اخبار را که حسود صلاح می‌دانند - در اروپا و آمریکا و دیگر نقاط دنیا منعکس نمایند. بهتر است این دوستان در این فکر نباشند که بعوض ما بیاندیشند و

خود را بجای ما بگذارند. و یا ما را پیرو افکار و برداشتهای خود سازند. ما نیز نمی‌کوشیم خود را سخنگوی آنان قلمداد کنیم و برایشان خط و نشان بکشیم و یا بجای آنها فکر کنیم. شرایط زندگی و مبارزه در کوردستان با شرایط کشورهای دیگر که در این دوستان در آنها زندگی می‌کنند فرق کلی دارد. بکوشیم هرکس در جای خود آنچه را که در توان داریم برای این خلق محروم انجام دهیم. اطمینان داریم که هرگاه دوستان خارج نشین بی‌غرضانه به این درد دل ما گوش فرادهند هم خود کمتر دچار تحلیل‌های نادرست

درباره اوضاع و احوال کوردستان خواهند شد و هم جنبش و مسأله کرد را از کوشش و فعالیتهای خود بهره‌مند خواهند ساخت. حال اگر از این زاویه به مسأله بنگرند سودی تحصیل کرده‌اند و گرنه به طریق دیگر سود برده‌اند. زیرا که سوز و دگر برای بدگویی از حزب دمکرات یافته‌اند. تا آنجا که به ما مربوط می‌شود این سخنان را از سر دلسوزی برای مسأله کرد مطرح کردیم آنان هم خود دانند که چه روشی در پیش گیرند.

(من آنچه شرط بلاغ است بانومی‌گویم تو خواه از سخنم پندگیر خواه ملال)

اعتراف نموده و به قافله، ایمن حرکت انسانی و امیدبخش که اکنون در جهان پراه افتاده و به پیش می‌رود، پیوندند.

جمهوری دمکراتیک آلمان جز، آن بخش از کشورهای سوسیالیستی است که تحولات سریع چشمگیری در جهت دمکراتیزه شدن در آنها بوقوع پیوسته است. جنبشی که با فرار ناراضیان این کشور به کشورهای سرمایه‌داری و بیشتر از همه به بخش غربی آلمان، شروع شد در مدت زمان کوتاهی تحولات پیش‌بینی نشده‌ای را پدید آورد. تظاهرات دهها هزار نفری و صدها هزار نفری در پایتخت و شهرهای بزرگ آلمان شرفی که به حمایت از خواستهای دمکراتیک مردم برگزار شد بسیار سریع تاثیرات خود را نشان داد. اریش هونیگر رهبر ۷۸ ساله آلمان که از رادیکالترین رهبران کشورهای سوسیالیستی بشمار می‌آمد تحت فشار افکار عمومی مردم ناچار به استعفا گشت، تعیینات غیر مترقبه‌ای در کادر رهبری حزب حاکم بوقوع پیوست، سفر مردم به کشورهای خارجی و از جمله کشورهای غربی آزاد شد و بالاخره دیوار برلین که بمثابة باروشی پولادین آزادی رفت و آمد مردم به بخش غربی شهر را مانع می‌شد شکاف برداشت و چندین معبر جهت سفر آزادانه ساکنان هر دو بخش آلمان در آن ایجاد گشت.

تحولات آلمان دمکراتیک از این حد هم فراتر رفت. رهبری جدید

حزب سوسیالیست متحد آلمان نه تنها با آزادی عقاید و تشکیل و فعالیت احزاب و سازمانهای سیاسی روی موافق نشان داد بلکه موافقت نموده که در قانون اساسی کشور نیز، ماده‌ای که انحصار قدرت سیاسی کشور در دست کمونیستها را تضمین می‌نماید حذف گردد و زمینه برای انتخابات آزاد و در حالت آزاد در جهت رسیدن به قدرت فراهم آید. از همه جالب‌تر صراحت لهجه رهبری نوین در افشای ناراضیها و کاستی‌های کشور و حتی در درون حزب حاکم می‌باشد. اگر اخبار استعفای دوست هزار کمونیست آلمان دمکراتیک در کمتر از سه ماه اخیر را از نظر بگذرانیم، آنگاه بروشنی در خواهیم یافت که رهبری جدید آلمان در برخورد با مسائل ناچه حد از حدود شهادت سیاسی و اخلاقیی بروز می‌دهد.

رویدادهای اخیر آلمان و مخصوصاً این واقعیت که در اولین روزهای شروع دگرگونیها، دهها هزار تن از مردم آلمان دمکراتیک کشور خود را بقصد بخش غربی آلمان ترک کرده و خواستار پناهندگی شدند، هم در اروپا و هم در امریکا و کشورهای دیگر مساله اتحاد دو بخش آلمان را بر سر زبانها انداخته است. جالب اینجاست که قبل از اینده آلمانی‌ها چه در بخش شرقی و چه در بخش غربی - چنانچه مساله‌ای را بعنوان مسئله روز مطرح

کند، پاره‌ای از مسؤلیت کشورهای سرمایه‌داری - بویژه امریکا - وحدت دو بخش آلمان را مساله‌ای حتمی و قریب الوقوع می‌خوانند. این نکته را نیز باید اضافه نمود که منظر اکثریت قریب به اتفاق کسانی که از وحدت دو بخش آلمان سخن بمیان می‌آورند این است که آلمان دمکراتیک به آلمان فدرال می‌پیوندد و سیستم سوسیالیستی در آن کشور برچیده خواهد شد، اما آیا مساله اتحاد دو بخش آلمان پس از جدایی و حکومت دو سیستم مختلف برد و بخش آلمان بدین سادگی و سهولت تحقق پیدا می‌کند؟ نخست باید گفت اتحاد دو بخش آلمان که زمانی نه به میل و رغبت مردم این کشور، بلکه بنا بهخواست و میل قدرتهای خارجی به دو بخش تقسیم گردیده، حقیق مشروع و انظار ناپذیر ملت آلمان می‌باشد و هرگاه مردم آلمان در هر دو بخش آن موافق و خواهان وحدت دوباره کشورشان باشند، هیچ کس و هیچ نیرویی در جهان حق ندارد سد راه ایس خواست مشروع و انسانی شود. در اینصورت مساله وحدت آلمان از این نظر جای هیچگونه بحث و مناقشه‌ای ندارد و تصمیم در این باره با خود مردم آلمان است. بحث ما بر سر این است که آیا وحدت آلمان با چه مشکلاتی در داخل و خارج مواجه خواهد شد و آیا از میان برداشتن موانع

کوردستان در نیم قرن اخیر

سرراه وحدت، کاری سهل و آسان و یا کارچندرور و چند هفته و چند ماه است؟

بدون تردید مردم آلمان و دولتهای دویختر آن بشر از هر کس بر مشکلات و موانع سرراه وحدت آلمان واقف هستند و بهمین خاطر در این مورد کمتر اظهار نظر می کنند و اگر هم گاهی یکی از رهبران آلمان در مورد مسأله مزبور نظری ابراز دارد، برایین نکته ناخند می ورزد که اتحاد دو بخش آلمان در دستور کار روز قرار ندارد. لیکن شاید ما و دیگران نیز بتوانیم بخشی از مشکلات و موانع سرراه اتحاد دویختر آلمان را برشمردیم.

از لحاظ داخلی، هرگاه وضع اقتصادی دویختر آلمان را از نظر بگذرانیم پیدا است که بخش غربی آلمان از نظر صنعتی و پیشرفت اقتصادی بسی پیشرفته تر از بخش شرقی می باشد و این کشور در صاف مقدم کشورهای پیشرفته و صنعتی اروپا، امریکا و آسیا قرار دارد. در چنین اوضاع و احوالی بیرواضح است که اتحاد شرق و غرب آلمان مستلزم گذشت زمان و صرف انرژی وافر و کار مداوم سیاسی و تبلیغاتی و فرهنگی و روانی می باشد.

و هرگاه از لحاظ سیاسی و فیزی و سیستم حکومتی نیز به این مسأله بنگریم با این واقعیت روبرو خواهیم شد که در آلمان دموکراتیک پیش از چهل سال از استقرار نظام سوسیالیستی

می گذرد. و این بدان معناست که دو نسل از جمعیت کنونی آلمان دموکراتیک در جامعه سوسیالیستی چشم به جهان گشوده، رشد کرده و با فرهنگ سوسیالیستی پرورش یافته اند.

این درست که درهم آمیختن سوسیالیسم و دیکتاتوری و مترادف شمردن این دو مقوله بخشی از مردم شرق آلمان را از سوسیالیسم رویگردان کرده است لیکن انکار نمی توان کرد که قشر بسیار وسیعی از مردم این کشور آگاهانه سوسیالیسم را بعنوان سیستم عادلانه و انسانی و خالی از ستم و استعمار طبقاتی قبول کرده و بخاطر آن فداکاری و جانفشانی از خود نشان داده و متحمل رنج و مشقت شده و از نعمات و مزایای آن بهره گرفته اند.

آیا ساده لوحی نخواهد بود اگر پنداشته شود این قشر وسیع از مردم آلمان آنگونه که در غرب آرزو می کنند، سهل و ساده به اعتقادات خود پشت کنند و به ادغام در سیستم سرمایه داری تن در دهند در حالی که بخش چشمگیری از مردم غرب آلمان نیز دارای عقاید چپ و سوسیالیستی هستند. آیا واقعات صوری آنچنانی ساده نگری و تکرار اشتباهی که دنیای غرب در مورد افغانستان مرتکب شد نخواهد بود؟ مگر در مورد افغانستان هم برین باور نبودند که حکومت افغانستان بعد از سرنگ شدن سرباران شوروی دوام آورده است و اگر نیروهای ارتش شوروی خاک آن کشور را

نزد کنند حکومت افغانستان را لحظه و یا در مدت چند روز و چند هفته سقوط خواهد کرد؟ بنابراین چه شده که حکومت افغانستان هنوز استوار و پایدار باقی مانده و کمونیستهای افغانستان جانانه از عقاید و اهداف و مشی خود دفاع می کنند؟ از اینها گذشته مگر جامعه سرمایه داری تا آن حد ایدئال و عاری از عیب و نقص می باشد که ساکنین یک کشور سوسیالیستی بدین سادگی و بی هیچگونه تردید و دودلی آن را برای خود انتخاب کنند؟

حال بپردازیم به علی که در خارج از آلمان می توانند بسر رویدادهای آلمان و منجمله مسأله اتحاد یا عدم اتحاد موثر واقع شوند. جمهوری دموکراتیک آلمان گذشته از عضویت در خانواده کشورهای سوسیالیستی، در پیمان ورشو نیز که شوروی و بخش کثیری از کشورهای سوسیالیستی را دربر می گیرد عضویت دارد. آیا می توان باور کرد که کشورهای سوسیالیستی و در رأس همه اتحاد شوروی به این امر رضایت دهند که یک کشور سوسیالیستی بدین سادگی در یک کشور سرمایه داری حل شود و از نقشه جغرافیا محو گردد؟ درست است که کشور شوروی خسارت برچمدار و آغازگر روند دموکراسی خواهانه ایست که اکنون دیگر کشورهای سوسیالیستی را دربر

تداوم تروریسم دولتی بخشی از سیاست عمومی رژیم

بسیار زود آشکار شده چرا که مقامات رژیم تروریسم را بعنوان وسیله ای برای پیشبرد سیاستهای خود همچنان در سطحی وسیع بکار گرفتند. یکی از استادان دانشگاه کلمبیا آمریکا که کارشناس در مسائل ایران است ۱۵ حادثه تروریستی را در یک سال و نه اقدام تروریستی را در طرف تنها دو ماه به حساب ایران میگذارد. اقدامات تروریستی علیه فعالان سیاسی و عناصر کلیدی سازمانهای ایزدیسون که در میان آنها بویژه میتوان به ترور جاینگارانه رهبر کبیر

متعاقب روی کار آمدن هاشمی رفسنجانی در ایران کم کم این تصور در محافل سیاسی غرب پیدا شده بود یا حداقل اینطور وانمود میگردند که با توجه به اظهارات ظاهرا واقع بینانه رفسنجانی و اقدامات وی در زمینه کناره‌گذاری بعضی عناصر تندرو از کابینه جدید سیاست جمهوری اسلامی در صحنه بین‌المللی دست‌خوش تغییر و تحولاتی خواهد شد و در این رابطه رژیم آخوندها از سیاست مدور انقلاب با تکیه به تروریسم دولتی دست‌خوش خواهد کشید.

اما برپایگی این تصور

حقوق بشر و هویت فرهنگی" در پاریس فرستاده در این نامه همراه با حمایت از حقوق بشری خلق کرد پیشنهاد کرده بود که کنفرانس از مجموع عمومی سازمان ملل متحد بخواهد ماله کرد را مورد بحث و مطالعه قرار دهد.

پرفسور ساخارف به هنگامی مردم دنیا را غرق در غم و اندوه از دست دادن شخصیت علمی و اجتماعی خود ساخت که درخت آرزوهایش بشمر نشسته بود و تحولات بزرگی در جهت توسعه دمکراسی و صلح و آزادی در جهان و بویژه در

درگذشت ساخارف

بقیه از صفحه ۱

بخاطر آزادی و دمکراسی مبارزه کرد و علیه زورمندی استبدادگی نموده.

مرکا نابهنگام ساخارف در سن ۶۸ سالگی و به سه روز ۱۴ دسامبر ۱۹۸۹ نه تنها در شوروی بلکه در سراسر جهان موجی از غم و تأثر را در میان محافل اسانددوست و همچنین در بین زمامداران رسمی کشورها برآه انداخت. بخش کثیری از رهبران کشورهای مختلف دنیا تأثر خود را بخاطر از دست رفتن ساخارف ابراز داشته و فقدان این شخصیت نامی را خسارت بزرگی برای صلح و آزادی و دمکراسی بحساب آوردند.

پرفسور ساخارف که بخاطر تلاش پیکیر و مستمر خود در راه صلح و آزادی و حقوق بشر جایزه نوبل را نصیب خود ساخته بوده تنها در چهارچوب شوروی برای تثبیت آزادی و دفاع از حقوق انسانها کوشش نمی‌کرد. قلب ساخارف که به وسعت این زمین پهناور بود، بخاطر محو هرگونه ظلم و ستم و نابرابری در سراسر گیتی می‌لید. آخرین فعالیت چشمگیر ساخارف برای تأمین حقوق حقه انسانها نامه ای بود که در سیزدهم اکتبر ۱۹۸۹ به

کشورهای سوسیالیستی آغاز شده بود. متأسفانه اجل مهلت نداد که او باز هم بسیاری تثبیت آزادی و حقوق انسانها در جهان بکوشد.

با قلبی ملامت از اندوه مرگ این شخصیت سرشناس جهانی و این سرباز شجاع و فداکار راه صلح و آزادی راه خانواده او بویژه به همسر و همسر مبارز وی؛ النا بوشنر و ظقهای اتحاد شوروی و همه بشریت مترقی تسلیم می‌گوشیم. ظق کرد نام ساخارف و دفاع وی از حقوق و آزادیهای را از یاد نخواهد برد.

کرد دکتر قاسملو و هم‌زمانش که در بالاترین سطح دولتی طرح‌ریزی شده بود، اشاره کرد. اقدامات تروریستی علیه منافع و دیپلماتهای عربستان سعودی به تلافی اقدام شایسته سفر شیعه، کویچی به جرم بمب - گذاری در مناسک حج، گسترش روابط با گروههای تروریست شیعه، لیبانی از راه اعطای کمکهای گزاف مالی و نظامی و گردهم آوردن آنان در تهران به منظور برنامه‌ریزیهای آشوبگرانه در ماههای اخیر، خواهد گویاشی براین مدعا هستند.

ساره‌ترین و مستندترین نشانی که حاکی از ادامه حمایت جمهوری اسلامی از تروریسم دولتی و استفاده از این حربه برای صدور انقلاب می‌باشد، سخنان مهدی کروبی رئیس مجلس شورای اسلامی در جلسه عاظمی مجلس در تاریخ ۲۳/۸/۶۸ است. وی طی سخنان خود خواستار آن شد که شاخه‌های حزب الله برای دفاع از حقوق پایمال شده مسلمانان در سراسر جهان بوجود آیند.

معنای این سخنان بسیار روشن است و واقعیت آن است که پیشهاد تشکیل شاخه‌های حزب الله نه به منظور دفاع از آن چه که گروهی حقوق پایمال شده مسلمان می‌خواند

۱) که به قتل رسید ساسات

آشوبگرانه و فانی شکنانه جمهوری اسلامی است که همان صدور انقلاب از طریق بی‌ثبات ساختن دیگر حکومتها و تحقق بخشیدن به رویاهای پان‌اسلامیتی از طریق تروریسم دولتی و نابودی همه مخالفین فکری و عقیده‌سی و سیاسی خود در خارج از کشور است.

نمونه بارز و مشخص این شاخه‌های حزب الله، حزب الله لبنان است که مبرف تمام نمای سیاست، اهداف و عملکردهای دولت جمهوری اسلامی در صحنه بین‌المللی است. جمهوری اسلامی

برای یافتن جای پای محکم در لبنان بلا کشیده و آشفته و در سودای ایجاد یک حکومت آخوندی مطابق آنچه که در ایران وجود دارد، این نیروی تروریستی را که نقش کاملاً مخرب و منفی دارد بوجود آورده و آن را تقویت می‌کند. جمهوری اسلامی هم برای آنکه از غرب امتیاز بگیرد و مقاصدش را به کرسی بنشاند از این جزیان که در واقع بازوی اجرائیش در لبنان است برای ترور و آدم‌ریایی استفاده می‌کند. بی‌پروا آزادی‌گروگانها با طرف مربوطه به معامله و چانه‌زدن می‌پردازد. در این رابطه کوس‌روایی جمهوری اسلامی چنان بصدا درآمد است که به محض رسیده شدن اتباع خارجی در

لبنان، دولتهای دیر بسط

بلافاصله با جمهوری اسلامی وارد مذاکره می‌شوند. تنها زمینه آزادی اتباع خود را فراهم سازند.

اما جمهوری اسلامی بی‌اعتنا به افکار عمومی جهانیان در تقبیح تروریسم بعنوان پدیده‌ای زشت و محکوم، از نخستین روز به حکومت رسیدنش با استفاده از همه امکانات و اهرمهای حکومتی به اجرای طرحهای ترور و صدور تروریسم به مناطق مختلف جهان دست یازیده و تروریسم دولتی را بعنوان بخشی مهم از سیاست عمومی خود در آورده است.

بطوریکه علنی شدن رد پای سفارتخانه‌های رژیم در اقدامات تروریستی تحت پوشش فعالیت‌های دیپلماتیک در کشورهای مختلف اکنون دیگر بصورت امری معمولی درآمد است. بنابراین در حال حاضر و در حکومت رفنجانی این سیاست رژیم نه تنها بکنار نهاده نشده، بلکه پس از قبول قطعنامه ۵۹۸ و پذیرش اجباری آتش‌بس شدید ترور فعالیت شده است. چرا که آخوندها فهمیده‌اند که جنگ و لشکر کشی بعنوان ابزاری جهت صدور انقلاب و تحقق اهداف توسعه طلبانه بجایی نخواهد رسید و در نتیجه یگانه راه حل موثر برای تحمیل عقاید خود به جهانیان را در اقدامات تروریستی می‌بینند.

بقیه در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۹

گرفته است. لیکن نباید فراموش کرد روندی که میخائیل گارباچف آغازگر آن بوده است برای نجات سوسیالیسم و نشان دادن سیمای انسانی تر از سوسیالیسم می باشد که با سرشت و ماهیت سوسیالیسم بهتر تطابق کند. دیموکراتیزه کردن کشورهای سوسیالیستی که از شوروی آغاز شده به هیچ وجه بدان خاطر نیست که این کشورها از سوسیالیسم روگردانند و به سیستم سرمایه داری روی آورند. گفتنی است که همین اواخر شوروی در واقع هتد ارداد که مسأله اتحاد آلمان مطرح نیست.

از اینها بگذریم، بخشی از کشورهای اروپایی چه در شرق و چه در غرب - که زمانی مورد تهاجم آلمان قرار گرفته اند، علیه سیستم کلبه تحولاتی که در اوضاع جهانی و سیستم حکومت در آلمان پدید آمده است، با شنیدن کلمه وحدت آلمان ممکن است دوران اقتدار آلمان را بخاطر بیاورند و نسبت به این مسأله از خود حساسیت نشان دهند و اگر روزی مسأله اتحاد بطور جدی مطرح باشد از خود عکس العمل بروز دهند. فراتر از اینها حتی کشورهای مانند فرانسه نیز، بعید است از تشکیل آلمانی متحد و یکپارچه استقبال نمایند.

ما معتقدیم که ایالات متحده آمریکا نیز، شعوری که از اتحاد

مجدد آلمان کمتر احساس نگرانی می کند، بدین سهولت و سادگی زیر بار چنین مسأله ای نخواهد رفت و این احتمال که آلمان یسک باردیگر بخواهد عظمت و اقتدار گذشته را بازیابد و شکستی را که در نتیجه جنگ دوم جهانی متحمل گشت جبران کند، از معادلات خود کنار نگذاشته است. این که آمریکا اکنون ظاهراً از اتحاد آلمان جانب داری می نماید و در تبلیغ آن می کوشد، بیشتر بخاطر زیر فشار گذاشتن کشورهای سوسیالیستی و سود استفاده از رویدادهای کشورهای اروپای شرقی می باشد. در حال حاضر به نظر می رسد که مردم دوختر آلمان با توجه به کلیه مشکلات مزبور و بسیاری از موانع دیگر در داخل و خارج، به مسأله اتحاد کشورهایشان می نگرند و از همین روی برعکس جریانی که می کوشند از این مسأله سود استفاده کنند و از آب گل آلود ماهی بگیرند، در مورد اتحاد شتاب بخورند و از طرف آن بعنوان

تداوم تروریسم دولتی

بخشی از سیاست عمومی رژیم

بقیه از صفحه ۱۱

مبارزه با این سیاست ضد بشری جمهوری اسلامی و افشای هرچه بیشتر اقدامات این رژیم در این زمینه یکی از وظایف مهم است. بکوشم هرچه بیشتر افکار عمومی جهانیان را علیه

مسأله روز خود داری می ورزند. بعید نیست و بسیار طبیعی نیز خواهد بود اگر مردم آلمان در زمان مناسب و پس از حل مشکلات و موانع سرراه وحدت کشورهایشان در این راه قدم بردارند. البته همانطور که یاد آور شد سیستم این حق انکار ناپذیر انسان می باشد. لیکن این خود آنان هستند که در این مورد تصمیم می گیرند.

بهر حال همچنانکه از قرائن و شواهد پیداست مسأله وحدت آلمان در دستور کار روز قرار ندارد و ناپودی سوسیالیسم نیز که کشورهای امپریالیستی رویای آن را در سر می پروراندند، جز خوش خیالی نمی توان نام دیگری بر آن گذاشت. سوسیالیسم باقی خواهد ماند و باید هم باقی بماند. لیکن با سیمائی دموکراتیک و انسانی که در سرشت آن وجود دارد. سوسیالیسمی عاری از دیکتاتوری و حقیقتاً بدور از ناپود کردن خلاقیت ها، استعدادها

این سیاست آشوبگرانه جنایتکارانه سنج کنیم سکوت و عقب نشینی دولتهای را که بخاطر حفظ منافق اقتصادی خویش رودر روی منادانان و ظلمهای ایران سر میگیرند و زیر پانها اصول انسانی و موازین بین المللی را نادیده میگیرند

افشا کنیم

نگرشی بر عملیات پیشمرگان در ماههای گذشته سال ۶۸

پیشمرگان قهرمان حزب دمکرات کردستان ایران، امسال هم جنگ تحمیلی و نابرابر رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی علیه خلق کرد را با مقاومت حماسه ای و جنگ انقلابی پاسخ گفتند و برگ زرین دیگری را به تاریخ مبارزات حق طلبانه خلقمان افزودند.

پیشمرگان حزب، امسال در حالی به وارد آوردن ضربات علیه نیروهای ضد خلقی رژیم آخوندی دست زدند که این رژیم اقدامات گسترده ای را جهت پیشگیری از تحرك و فعالیت نیروی پیشمرگ تدارك دیده بود. علاوه بر نیروهای بیشماری که پارسال بدنیاال توقف جنگ ایران و عراق، جهت سرکوب مردم گسیل داشته بود و پیران خط و نشان کشیدنهای مکرر قرارگاه "سید الشهداء" مرکز نیروهای ضد خلقی رژیم در کردستان - بمنظور بازداشتن مردم کردستان از همکاری با نیروی پیشمرگ - توطئه و تلاش رژیم در جهت پیشگیری از فعالیت نیروی پیشمرگ در زمستان و بهار گذشته نیز همچنان ادامه داشت. افزایش شمار گروههای ضربت در همه مناطق کردستان افزایش تعداد پایگاههای

راهپا، داخل روستاها، اطراف شهرها و بطور کلی اشغال همه نقاط مهم و حساس بوسیله نیروهای نظامی، کاشتن مین در مسیر آمدن و رفت پیشمرگان، کوشش در راه هرچه بیشتر کردستانی کردن جنگ و استفاده وسیع از سربازان کرد در جنگ با پیشمرگان اذیت و آزار خانواده و اقوام پیشمرگان بطور اخص و وارد آوردن فشار بر مردم حزب دوست و پیشمرگ پرور کردستان بطور عموم، بخشی از این توطئهها بوده اند که رژیم چه قبل از آغاز سال جدید و چه در ماههای گذشته سال ۶۸ با تمام توان از آنها استفاده نموده است. کارگزاران رژیم چنین مینداشتند که با افزایش خشونت و گسترش سرکوب می‌توانند نیروهای خود را از ضربات کوبنده نیروی پیشمرگ در امان نگه دارند. ولی با وجود تمامی این توطئهها و جنایات جمهوری اسلامی، فرزندان قهرمان دمکرات طی ماههای گذشته امسال نیز بطور چشمگیری ضربات خود را بر پیکر جمهوری اسلامی وارد آوردند.

مهمترین ویژگیهای عملیات امسال پیشمرگان بدین شرح

۱. پیشمرگان، امسال زودتر از سال گذشته اقدام به وارد نمودن ضربات علیه نیروهای رژیم کردند. با وجود اینکه شرایط جسمی و جغرافیایی کردستان اصولاً در قسمتی از ماههای سال میتواند موجب کاهش تحرك نیروی پیشمرگ بشود، و در دو مین ماه سال ۶۸ در عمل دیدیم که کادرها و پیشمرگان در اغلب مناطق جنوب و مرکز کردستان چگونه فعالیت سیاسی و نظامی چشمگیری از خود نشان دادند. این اقدام پیشمرگان موجب شد تلاشهای رژیم در جهت محدود ساختن فعالیت نیروی پیشمرگ تا حدود زیادی خنثی شوند.

۲. بخشی بزرگی از عملیات امسال نیروی پیشمرگ در نقاط حساس و استراتژیکی به اجرا درآمد. امسال پیشمرگان به شهرها و شهرکهای کردستان نفوذ کردند و حتی بعضی از شهرها چند دفعه شاهد نفوذ نیروهای پیشمرگ بودند. در این رابطه میتوانیم شهرهای مریوان، سردشت، ربط، مهاباد، پیرانشهر، نغده، سفین و اشنوویه را برشماریم که در بیشتر آنها پیشمرگان ضمن ملاقات با عده زیادی از مردم و اقدام به کار تبلیغی مفید، توانستند شمار زیادی از مزدوران رژیم ضد خلقی را

کفسه و زغالی از استان همجانبان در بسیاری از حاده های مهم از جمله حاده پیرانشهر - سردشت ، مهاباد - ماباد و آبه ارومیه - تهران ، پیرانشهر - اشنویه ، سه راه سنندج - همدان - کرمانشاه ، کرد - بویه نیز و ... کادرها و پیشمرگان هم ضربات سنگین حاکم و مالی به دشمن وارد آوردند و هم با شمار زیادی از مردم کردستان و بخش های دیگر ایران از نزدیک به گفتگو پرداختند.

۳. وارد آوردن خسارات بزرگ مالی و اقتصادی به رژیم از دیگر مشخصات عملیات امسال نیروی پیشمرگ بود . سه فقره عملیات پیشمرگان در شمال کردستان ، عملیات بر روی کارخانه شن و ماسه واقع در باراندوز چای ارومیه ، عملیات بر روی پارک موتور کارخانه قند ارومیه ، همچنین کنترل حاده ترانزیتی ارومیه - تهران ، دهها میلیون تومان خسارات مالی بر اقتصاد رژیم وارد آورد ، انفجار مکرر لوله گاز ایران - ترکیه ، به آتش کشیدن دهها دستگاه خودرو و ماشین آلات رژیم در مناطق مختلف کردستان ، بخش دیگری از این خسارات اقتصادی بود که نیروی پیشمرگ بر رژیم وارد آورده است .

۴. وسیع بودن میدان

فعالیت کادرها و پیشمرگان حاکم ، یک دیگر از نکات مهمی است که امسال هم در تحریک فرزند اندمکرات خود نمای کرد ، چیزی که در این رابطه جای خوشحالی می باشد اینست که پیشمرگان علاوه بر اینکه حضور خود را از جنوب ترین تا شمالی ترین مناطق کردستان در همه جا بنمایش گذاشتند ، در عین حال توانستند به بسیاری از روستاها و مناطقی که در چند سال گذشته نیروی قابل توجهی از پیشمرگان به آنها سر نزده بود ، نفوذ کنند . با در نظر گرفتن این واقعیت که شبکه نظامی و توطئه رژیم جهت درهم شکستن مبارزه مسلحانه مردم کردستان سال به سال بیشتر و گسترده تر می شود ، این پدیده برای نیروی پیشمرگ و مردم مبارز کردستان جای افتخار می باشد .

۵. عملیات بزرگ و گسترده تصرف چند پایگاه مهم رژیم و نفوذ به داخل شهرها و کنترل حاده های مهم توسط نیروی پیشمرگ ، نشانگر واقعیات انکار ناپذیری هستند . یکی از این واقعیات این است که در بخش عمده این عملیات پیروزمندانسه ابتکار عمل در دست پیشمرگان بوده است . بدین معنی که نیروی پیشمرگ کوشش کرده در نقاطی که احتمال پیروزی را ضعیف

تشخیص داده ، خود را از درگیری بدون نکه بداند ، به عقب در نقاطی که نسبتاً از پیروزی مطمئن بوده به وارد آوردن ضربه اقدام کرده است . البته در باره ای از درگیریها نیز دشمن مواضع پیشمرگان را مورد حمله قرار داده است ، ولی پیشمرگان بطور سریع و منظم به مقابله برخاسته ، نقاط حساس را تحت تصرف در آورده یا از دشمن باز پس گرفته اند و همه مقتضیات یک مقاومت پیروزمندان را مد نظر گرفته اند تا نیروی دشمن را درهم شکسته و آنها را ناچار به عقب نشینی نمایند . در عین حال عملیات پیروز - مندانه پیشمرگان این حقیقت را روشن می نماید که آنها از لحاظ فرماندهی ، مراعات نظم و دیسیپلین ، ارتباطات و همچنین از لحاظ استفاده از فنون جنگ در موقعیت برتری قرار گرفته اند .

۱- نتایج عملیات امسال پیشمرگان حزب نشان می دهد که بخش چشمگیری از افراد مسلح رژیم خود را از درگیری شدن با پیشمرگان بدون نگره میدارند و در مواقع درگیری با فوری خود را تسلیم میکنند و با عملاً از همکاری با مهربان های جنایتکار رژیم و فرماندهان ضد خلقی پرهیز می نمایند . علاوه بر سرسازان کرد که رژیم به اجبار و بر بقیه در صفحه ۸

رفسنجانی و ملت‌های تحت ستم!!

رفسنجانی رئیس‌جمهوری ایران، در خطبه نماز جمعه تهران روز ۲۶ آبان ضمن تأکید بر ضرورت حفظ آمادگی نظامی در مقابل عراق و در عین حال لزوم همکاری مردم برای از بین بردن آثار هشت سال جنگ، طبق متد معمول آخوند‌ها و بنا بر قواعد روش‌مخوانی از این شاخ به آن شاخ پرید و از پیامدهای مبارزات ملل تحت ستم با رژیم‌های سلطه‌گر در جهان نیز سخن راند و به دستاوردهای مردم در آفریقای جنوبی و سیاهان در نامیبیا اشاره نمود و بالاخره از اینکده مسئله کامبوج در حال حل شدن است اظهار حوسوفتسی کرد!

معمولاً دیکتاتورها و مسئولین حکومت‌های غیرمردمی، وقتی از رسانه‌های گروهی و پشت‌تربیبونها به ایراد سخن می‌پردازند امید به این دارند که اظهاراتشان در جهت پرده‌پوشی حقایق از انظار مردم در داخل و یا جلب افکار عمومی در خارج بتوانند موثر افتد. اما معلوم نیست سخنان آخوند رفسنجانی در مورد مبارزات ملل تحت ستم چه کسی را در ایران و در خارج از ایران می‌تواند بغریبذ؟ زیرا سیاست‌های ضد مردمی جمهوری اسلامی در رابطه با حقوق ملی حلقه‌های

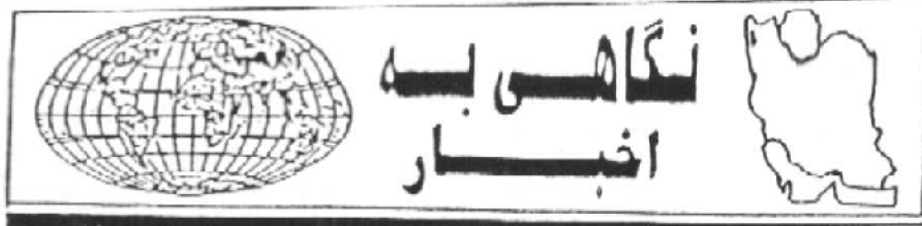
تحت ستم ایران امری نیست که برهیچکس پوشیده باشد. مردم ایران از ملت‌های مختلف تشکیل شده‌اند که قرن‌ها تحت ستم حکومت‌های دیکتاتور مرکزی در رنج و فشار بوده، هیچگاه از حقوق طبیعی و انسانی خود بهره‌مند نبوده‌اند. بعد از روی کار آمدن رژیم آخوند‌ها که آقای رفسنجانی یکی از کارگزاران و لارگردانان درجه اول آنست، این ستفگری و خشونت نسبت به ملت‌های گوناگون ایران ابعادی بسیار وسیع‌تر یافته‌است. در این میان خلق "کرد" در ایران به علت مقاومتش در مقابل زورگوشی آخوند‌ها البته بیشتر از دیگران مورد تهاجم قرار گرفته‌است. بمبارانهای هوایی، ویران کردن دهات، دستار مردم بیگناه، اعدام مبارزان کُرد و میلیتاریزه کردن کامل کردستان گوشه‌هایی از اقدامات حکومت آخوندی در جهت سرکوب خلق کرد بوده‌اند.

اما حلقه‌های ترکمن، بلوچ، آذربایجانی، فارس و عرب نیز از این لطف جمهوری اسلامی بی‌نصیب نمانده و هزاران تن از بهترین فرزندانشان بی‌بوخه‌های اعدام شده و ده‌ها هزار تن از فرزندان مبارز آنها به جرم

اعتراض به سیاست‌های رژیم آخوندی به زندان‌های حکومتی افتاده‌اند. بنابراین پرسیدنی است که: برآستی رئیس‌جمهور حکومت آخوندی با چه روشی صحبت از حقوق ملت‌های تحت ستم و دست‌آورد‌های سیاست‌ها در آفریقا بشیان می‌آورد، در حالی که سیاست‌های جاری حکومت او در رابطه با حلقه‌های تحت ستم براتب جابراانه‌تر از سیاست‌های حکومت نژاد پرست آفریقا است؟

مردم ایران که در کلیت خود جزو ملل تحت ستم بشمار می‌آیند حکومت آخوندی را بحق ستفگري؛ حاکم بر بیان و مالشان می‌شمارند البته سخنان آخوند رفسنجانی رانه می‌خواهد خود را مدافع ملت‌های تحت ستم آفریقا و غیر بنمایاند، جز یاوه‌گویی‌های بی‌وقیحانه و عوام‌فریبی‌های آخوندانه نمی‌دانند.

در خارج از ایران هم، نارها و عملکردهای حکومت آخوندی از قبیل پرورش و تجهیز باند‌های تروریستی یا آدم‌ربانی و گروگان‌گیری، چندسال اصرار در ادامه جنگی که هدف آن در واقع نه دفاع از خاک وطن، بلکه اشغال خاک کشوری دیگر است، استقرار يك امپراطری آخوندی است، زیرپانهادن تمام حقوقی که اعلامیه حقوق بشر برای انسانها برسمیت شناخته و بسیاری از دیگران از این قبیل، چه بره حکومت آخوندی ایران را به‌منواری



مخاصه در اینکه حالت نه جنگ و نه صلح نمی تواند برای مدت زمانی طولانی ادامه داشته باشد . متفق القولند .

امه بن بست مذاکرات صلح

خطر تجدید جنگ خانگی در لبنان

در تلاش برای نزدیک ساختن مواضع طرفین به شکست انجامید .

★ مأموریت یان الیاسون نماینده رژیم دیکتاتور و ترورده هفده روزه اش در پایتخت های ایران و عراق که منظور شکستن بن بست مذاکرات صلح میان دو کشور انجام گرفت ، در حصول نتیجه پایان یافت . در این حال دیدارهای وزرای خارجه و کشور با آقای خاویز پروز دکوئیاری مقرر سازمان ملل متحد در نیویورک

● با آنکه مقامات ایران و عراق ظاهراً احتمال تجدید مخاصمات و درگیری سلحشانه بین دو کشور را بعید می دانند . لیکن اصرار طرفین بر مواضع پیشین و تلاشهای بدون وقفه دو دولت در راه دستیابی به تکنولوژی پیشرفته نظامی و سلاحهای مدرن هر آن بر احتمال شعله ور شدن آتش یک جنگ خانمانسوز دیگر در منطقه می افزاید . چرا که طرفین

★ بدنبال ترورینه صموض رئیس جمهور جدید الانتخاب لبنان پارلمان این کشور در روزهای آخرماه نوامبر در يك اجلاس فوق العاده که تحت مراقبتهای شدید امنیتی برگزار کرد آقای الیاس حراوی را بعنوان رئیس جمهوری لبنان برگزید . لیکن ژنرال میشل عون رئیس کابینه نظامی لبنان که خود يك صیحه مارونی است در

رفسنجانی و ملت های تحت ستم!!!

حکومتی دیکتاتور و سلطه گر با برجستگی تام و تمام نمایان شده است و در این رابطه سالسی نیست که سازمانهای بین المللی دفاع از حقوق بشر با ذکر موارد مشخص و مستند در حکومت ایران را بحاطر نقض آشکار حقوق بشر محکوم نمایند .

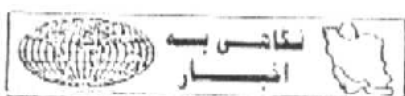
که با آن دست پگریبان است میتواند به چیز دیگری جز ایس یاوه گوئی ها و عوامفریبی ها پناه برسد ؟

اگر تا چند سال قبیل سردمداران جمهوری اسلامی با استفاده از احساسات مذهبی مردم و تنفر آنان از دیکتاتوری زمان شاه ، نظام جمهوری اسلامی را بعنوان مدینه ای فاضله معرفی میکردند ، اکنون دیگر پته ها روی آب افتاده و دستها بتعامی رو شده است . اکنون مشکلات بیمراتب بالاتر از مشکلات زمان شاه برزندگی مردم سنگینی میکند ؛ چاقها چاقتر و " مستضعفان " مستضعفتر شده اند ، و بطور کلی مردم در زیر بار گرانی و ناداری و

بنابراین همانطور که گفته شد با توجه به شناخت مردم ایران از حکومت آخوندی ، و همچنین شناخت افکار عمومی جهانی از این حکومت ، سخنرانیهای آنجانی آخوند رفسنجانی و سایر آخوندها معلوم است که تا چه اندازه وقیحانه است . اما آیا رفسنجانی

بیکاری و اقتصاد انگلیسی و دیکتاتوری و خفقان دمرشان شلخته است .

مجموعه اینها باعث میگردد که از آخوند رئیس جمهور گرفته تا روضه خوانهای پایین تریپوسته به صحراهای کربلا گریز بزنند . در واقع بعد از حدود ده سال دادن وعده های توخالی به مردم و اینکه خرابیهای هشت سال جنگ ، بصورت وحشتناکی چهره خود را نشان داده و نعمت الهی به قهر الهی تبدیل شده است آخوند رفسنجانی اگر در باره آفریقای جنوبی و کامبوج و ... سخن گوید چه حرف دیگری برای گفتن دارد ؟



پرسش در سوره خلق

بقیه از صفحه ۳

رفص سیره زار بیاد رژیم نیاکان
 ارغوان های وفای جاودانگی
 را به شکفتن فرا مرخوانید ؟
 عقابان آموته های سر بر
 سینۀ زاکوس ! ای در نوسان
 سینوس شهیرهایتان رایحه
 روح نواز آموته های سر یوان !
 فراترین قله محفلتان ، بالا
 بلندترین کوهسار همیشه
 زیبای آتیه اتان هستی اوج
 را از کجا می آغازد . که
 چنین از هفتمین برج بلند
 کهکشان می نگریم و صاحب
 بلند پروازی هاتان هستی
 فرا تر از دور دست ترین
 ستاره و علیاترین اخترت ؟
 هیربدان معابد همیشه
 روشن ادراک ! مفسران امین
 گفتار و کردار و پندار به
 آئینی شاهو ! بر ما تلاوت
 کنید رشت های گرمی سبز
 زندگی را که ما شب زدگان
 زمهر پر بی عاطفگی چکمه
 و نعلینیم ، به ما نشان
 دهید و بگوئید در ایمن
 سرمه های حزن لاجوردی ، در این
 دوران سیاه و ظلمت بار ،
 دریچه محال را کی خواهید
 شکست و سیده هورخش خاوران
 خریقی را کی به سفره سرما
 زده ایران فرا خواهید خواند ؟
 دالاهو ! دالاهو ! دریتیم
 کردستان ! ای بر بیگم
 روئیده ناور آبهارهای سر
 به فلک آتش ! رمز جاودانگی

ایران و کردستان ، ای فصل
 مشترک زادگاه پیتوا و قدم
 خیر ! باوشیم ! بگو که
 آب حیات نهفته در آوندهای
 پیکر لم داده ات را کی به
 ساغر پیرات خواهی ریخت
 تا با ریحق شراب ، آلاچیق
 تنیده بر چهار گوشه ایران
 را به آتش کشند ؟ بگو
 مشعله داران نفت شهر
 و کرمانشاه کی یورش گسل
 ناری خویش را به قلاع قیرین
 اسارت می آغازند !

مقدمتان فرخنده ، فرخ
 بی پویک های کردستان !
 ما رنجبرانی آذرنگ بر جبین
 از هیاکل استوار ، هزار
 ساله هستی می آئیم ، سنگ
 شیر همگتانه ، رنگین کمان
 دیوار هفت رنگ اکباتان را
 ما بر پا داشته ایم ما
 دارندگان رمه های آغوش اریم ،
 حلاوت رط های قصر شیرین
 ثمره مرارت رنجهای مات .

هان ! بنگرید ! برگلابی
 قابهایمان تصویب آسوار
 یکه تاز میدان فرزانی ،
 آری آری سلحشوران آرمگان
 دموکراسی و خودمختاری
 ای موبدان معابد گندم و ژاله !
 در پی درفش پیشوایمان ، در
 سایه بیبری ظفرون سپهسالار
 قاسملو ، نیروی زانو اتان
 جوهر دور پروازی های اتان ،
 مرهم ناسور و رمز شکست
 ناپذیری جاودانه شماستیم .

آذر نورافشان آذر گسل
 افشان آذر میلادتان پیوسته

اعتراض به تصمیمات متخذه در کنفرانس
 طائف از گردن نهادن به اوامر
 رئیس جمهور جدید و تخلیه کساح
 ریاست جمهوری در بعدا خودداری
 نموده است و همچنان خود را رئیس
 حکومت قانونی لبنان می خواند .
 تلاشهای اطراف زبیرط برای حل
 مشکل تاکنون نتیجه مطلوبی
 در برنداشته و خطر تجدید جنگ
 داخلی امنیت این کشور بلا زده را
 مورد تهدید قرار داده است .

● مداخلات کشورهای منطقه در امور
 داخلی لبنان و بویژه حضور نیروهای
 اسرائیل در بخش جنوبی کشور و
 حضور نیروهای سوریه در منطقه
 بیروت و مناطق شمالی کشور و همچنین
 حضور شمار نامعلومی از مزدوران رژیم
 اسلامی ایران در بین گروههای وابسته
 به جمهوری اسلامی ایران در لبنان ،
 عامل اصلی ادامه بحران ۱۵ ساله
 لبنان است . و هرگاه وضع بدینضوال
 پیش برود چه بسا در آینده ای نه
 چندان دور آتش یک جنگ تمام عیار
 دیگر در این کشور زبانه می کشد .
 شاید بتوان چند فقره درگیری اخیر در
 بین نیروهای وابسته به ژنرال
 عون و سربازان سوریه ، نیروهای
 وابسته به سازمان آزاد بیخس فلسطین و
 سوریه و نیروهای دو گروه شبه نظامی

خسته که نشی زلال بیمن
 چشمان همیشه خندان گردانید

بقیه از صفحه ۱۴

ذلاف خواست خودشان آنها را روانه جنگ با پیشمرگان می‌نماید، شمار زیادی از سربازان غیرکرد نیز حاضر نیستند در مقابل پیشمرگان مقاومت نمایند. این وضعیت اگر از سویی نشانگر ضعف روحیه رزمی در میان نیروهای رژیم و ترس آنها از ضربات خردکننده پیشمرگان می‌باشد، از دیگر سو بیانگر این واقعیت است که نیروهای دولتی مستقر در کردستان روزبه‌روز بیشتر ماهیت ضد خلقی رژیم آخوندی و حقانیت خواسته‌های مردم کردستان را درک می‌نمایند.

۷. پشتیبانی کم نظیر توده‌های مردم کردستان از فرزندان انقلابی خود، جایگاه ویژه‌ای در پیروزی‌های امسال نیروی پیشمرگ داشته است. این همکاری و پشتیبانی بعد از شهادت رسیدن رهبر و الامام حزب و خلق، دکتر قاسم‌نویس توسط جمهوری اسلامی به اوج خود رسید. رژیم آخوندی با ترور رهبر کارگران خلقمان می‌خواست چنان ضربه‌ای بر جنبش رهاپخش خلق کرد و ارد، نماید که در کوتاه مدت قادر به حیران آن نباشد و در حقیقت بدون فقراتش درهم شکسته شود. ولی مردم مبارزان کردستان شجاعانه‌تر از پیش با همیدان گذاشته و با تشدید بقیه در صفحه ۱۹



شخاصم امل و حزب الله را پییش در آمدی برای چنین جنگی که نیست. ایکاش دولت‌های منطقه مردم بلا دیده، لبنان را بحال خویش می‌گذاشتند.

تحولات سریع در اروپای شرقی
 * در گرونیهای که ظرف یک ماه گذشته در کشورهای سوسیالیستی اروپای شرقی بوقوع پیوسته است، خارج از حد انتظار بود. در آلمان شرقی و چکسلواکی در گرونیهای سریع منجر به استعفای رهبران رده بالای احزاب حاکم و رؤسای جمهوری و حذف نقش رهبری کمونیست‌ها در جامعه و تشکیل حکومت‌های غیر کمونیستی، آزادی تشکیل و فعالیت گروه‌های سیاسی و بطور کلی برقراری نسبی آزادی‌های دموکراتیک شده است. تحولات در این حد نیز متوقف نشده و کار بجائی رسیده که پای محاکمه و محاسبه پاره‌ای از مسؤولین طراز اول حکومت‌های پیشین بمان آمده است. در کشور بلغارستان نیز فعالیت دموکراسی خواهانه توده‌ها به موفقیت‌هایی نایل آمده و منجر به برکناری نمودن ژوکوف و پاره‌ای دیگر از رهبران حزب کمونیست بویژه بستگان و همکاران نزدیک ژوکوف گردیده است. در لهستان و مجارستان هم قبلاً حکومت از دست کمونیست‌های خارج شده و حکومت‌های ائتلافی جانشین قدرت انحصاری کمونیست‌ها شده بود.

● در این میان تنها حکومت رومانی برهبری نیکولای چاوشیسکو است که همچنان در مقابل موج دموکراسی - طلبی توده‌ها به مقاومت برخاسته و قدرت انحصاری خود را حفظ نموده است. لیکن پرسیدنی است که آقای چاوشیسکو و یارانش تا به کجا در مقابل جریان نیرومندی که سرتاسر اروپای شرقی و بطور کلی جهان را فرا گرفته است، تاب مقاومت خواهند آورد. بنظر می‌رسد حرکت آزاد پیخواهان‌های که کشورهای سوسیالیستی را دربر گرفته، برگشت ناپذیر است و هرگونه مانعی را از سر راه خود برمی‌دارد. بنابراین راه درست راه رهبرانی است که زودتر و بموقع به خواست منسوخ توده‌های بلا دیده و دیکتاتوری چشیده تن در می‌دهند.

معرفی تروریست‌ها

● سرانجام مقامات قضایی اتریش سکوت چند ماهه خود را شکسته و حکم جلب چهار تروریست ایرانی را به جرم ترور رهبر گرانقدر حزب دموکرات کوردستان ایران، دکتر عبدالرحمن قاسم‌نویس و یارانش، صادر کردند. تروریست‌هایی که روز ۲۹ نوامبر ۱۹۸۱ حکم توقیفشان از سوی دادگاه صادر شده است عبارتند از: محمد جعفری صحراوردی، حاجی مصطفوی، لاجوردی، الیاس حاجی فتحی و اسر منصور بزرگان.

● گفتنی است که محمد جعفری صحراوردی و اسر منصور بزرگان هر دو بدنبال ارتکاب این جنایت فجیع در قبضه پلیس اتریش بودند. ولی بقیه در صفحه ۲۰

نگارش و عملیات پیشمرگان در ماههای گذشته سال ۶۸

بقیه از صفحه ۱۸

مبارزه علیه رژیم و همکاری کم سابقه با کادرها و پیشمرگان حزب دسکرات و یک فضای کاملاً انقلابی را بر سر سراسر کردستان حاکم کرد اند. در نتیجه پشتیبانی و همکاری خلسه حقیقت‌ساز ما و ضربات پی در پی رهبران راه قاسملوی زنده یاده نه تنها بوجی هدف رژیم از شرور دکترا قاسملو به اثبات رسیده بلکه روشن گردید که چگونه هر قطره از خون آن راد مرد ملت ما به سیلابی از کینه و حس انتقام علیه مرتجعین حاکم تبدیل می‌گردد و دمار از روزگار دشمنان حقوق و آزادیهای خلقمان درمی‌آورد. با وجود همه اینها و ویژگیهای مثبت و همساز پیروزیهای ما که در جریان عملیات امسال پیشمرگان بدست آمده است، لازم است به یک نکته جای تاسف نیز اشاره ای داشته باشیم. امسال در اشتریه دوباره در بوکان یک بار، در پیرانشهر دوباره در منطقه یک جنوب یک بار و یک دفعه هم در اورامانات نیمه‌های کرچکی از کادرها و پیشمرگان حزب بدست‌ده‌دام نیروهای رژیم افتادند و با کمال تاسف به شهادت رسیدند.

۲۴ تن از کادرها و پیشمرگان حزب به شهادت رسیدند، وارد آمدن این ضربات بزرگ و سهمگین نتیجه سهل انگاری و بهایی از قبیل، مراعات نکردن اصول مخفی کاری، استقرار در نقاط نامناسب و دست کم گرفتن دشمن و ... این سهل انگاریها موجب شده است که رژیم سهل و آسان

شماری از بهترین فرزندان خلق را از بین ببرد بدون شک این ضربات برای نیروهای پیشمرگ و کمیته‌های منطقه ای بالاخص و برای حزب ما بطور عموم تجربه‌های تلخی بشمار می‌روند و تلاش در جهت جلوگیری از تکرار آنها وظیفه همگی ما می‌باشد.

این هم آماری از نتایج عملیات پیشمرگان م. د. ک. ا. از اردیبهشت تا آذرماه ۶۸

تعداد عملیات، تلفات و خسارات دشمن

تعداد عملیات	۲۲۵	کشته	۱۱۰ نفر	خودرو منهدم شده	۸۸
کشته	۱۰	زخمی	۳۵۸ نفر	پایگاه تخریب شده	۸
سین	۳۱	اسیر	۲۳۳ نفر	مراکز اقتصادی منهدم شده	۳

تسلیم پیشمرگان

انواع تفنگ	۲۸۰	موتور آبی جن	۱۱۱	تفنگ	۱۱۰۵۲۰
تیربار	۱۵	گلوله سلاح سنگین	۲۰ صندوق	نارنجک دستی	۹۹۲
آبی جن	۱۵	نارنجک تفنگی	۱۳۰	خشب	۱۱۷۸
خیارمانداز	۱	بی سیم	۳۰	دوربین صحرائی	۵
اسلحه کسری	۱	تلفن صحرائی	۱		

تلفات مردم کردستان

شهید پیشمرگ	۵۱ نفر	شهید به دفاع	۴۱ نفر	زخمی به دفاع	۵۵ نفر
-------------	--------	--------------	--------	--------------	--------

اسیر آزاد شده ۲۳۳ نفر

وسایل زیر به آتش کشیده شده‌اند:

۱. تانکر بزرگ نفت و بنزین ۱۸ دستگاه
۲. موتور برق ۵ دستگاه
۳. موتور جوشکاری ۲ دستگاه
۴. اتیار وسایل مکانیکی ۵ اطاق
۵. اتیار مهمات ۱ اطاق
۶. اتیار آذوقه ۲ اطاق
۷. لاستیک چرخ ۲۸۰ عدد
۸. پمپام ۶ دستگاه
۹. دوربین فیلمبرداری ۱ دستگاه
۱۰. موتور سیکل ۱ دستگاه
۱۱. مکتب امام علی ۱ دستگاه
۱۲. مکتب امام علی ۱ دستگاه
۱۳. تی وان ۱ دستگاه
۱۴. تلوزیون ۱ دستگاه
۱۵. آلبوکن ۱ دستگاه
۱۶. اتیار روشن و گازوئیل ۱ اطاق
۱۷. نارنجک دستی ۳ صندوق
- در این مدت ۲۲ تن از فریب خوردگان و سربازان همراه با یک قبضه قاشق، یک تیربار، یک سی. سی. ۳۰۰، تیرفنگ ۳۰، قبضه تفنگ ۱۲ اسلحه کسری و ۱۱ خشاب خود را تسلیم پیشمرگان کرده‌اند.

بقیه : نگاهی به اخبار

دولت این کشور بخاطر حفظ (مصالح عالییه دولت) و "روابط حسنه" اش با جمهوری اسلامی آنها را آزاد نمود و به صحرارودی اجازه داد که معزز و مکرم با هوایما به ایران باز گردند . اکنون که دولت اتویش همه فرصتها را برای بازداشت متهمین عالما "عامدا" از دست داده است . باید در مقابل افکار عمومی جهانی و وجدان آگاه بشری جوابگو باشسد .

خبرهایی از بلوچستان

* براساس آماري که از رادیو "صدای مجاهدین بلوچستان ایران" پخش شد ، افراد مسلح وابسته به سازمان مجاهدین بلوچستان طی دهها فقره حمله به مراکز نظامی و اقتصادی رژیم در استانهای بلوچستان و کرمان و هرمزگان موفق شده اند تلفات و خسارات زیر را بر رژیم جمهوری اسلامی وارد آورند :
۱ . کشتن حداقل ۸۲۵ تن از افراد مسلح رژیم .

۲ . زخمی نمودن بیش از ۲۹۰ تن از آنها .

۳ . سرنگون کردن ۳ فروتنده هلی کوپتر .

۴ . انهدام بیش از ۱۲۰ دستگاه خودرو .

۵ . شرکت راهسازی و ۱ شرکت برق .

● لازم بیاد آوری است که رژیم جمهوری اسلامی در باره حواوت بلوچستان نیز همانند رویدادهای کردستان سکوت مرگباری را پیشه کرده و در حد توان اجازه نمی دهد اخبار عملیات شجاعانه فرزندان خلق بلوچ

به خارج درز نماید . هرگاه هم بعلى ناگزیر از پخش اخباری در این باره شود مبارزین خلق بلوچ را بسه عنوان باند های قاچاق مواد مخدر به افکار عمومی معرفی می نماید .

دیدار بوش - گارباچف

* در اولین روزهای دسامبر ۱۹۸۹ جرج بوش رئیس جمهوری آمریکا و میخائیل گارباچف رهبر شوروی دو دور از مذاکرات خود را بر عرشه دو ناو جنگی آمریکا و شوروی در جزیره مالت بعمل آوردند . بدنبال ملاقات دو رهبر کنشایش چشمگیری در مناسبات شرق و غرب صورت گرفت و امید بیشتری به کاهش تنشهای بین المللی حاصل گردید .

● واقعیت این است که بهبود روابط دو قدرت بزرگ جهانی (آمریکا و شوروی) می تواند تأثیرات مثبتی بر روند عادی سازی روابط دو بلوک شرق و غرب از خود بجسای بگذارد . حرکت بسوی کاهش تنشج در مناسبات شرق و غرب و پایان دادن به

جنگ سرد که عمدتا " بابتکار میخائیل گارباچف شروع شده است تاکنون امید های زیادی را در مورد دستیابی به آینده ای به دور از نگرانی و دلهره ، مخصوصا در میان ملت های اروپا برانگیخته است . امید که این حرکت به روند پیروزمندانه خود ادامه داده و بشریت را از خطرات يك جنگ خانمان برانداز جهانی برهاند .

اعتراف بگناه

* رهبران پنج کشور سوسیالیستی بلغارستان ، مجارستان ، جمهوری دیمکراتیک آلمان ، لهستان و اتحاد جماهیر شوروی ضمن دیدار خود در مسکو ورود نیروهای این کشورها به چکسلواکی در سال ۱۹۸۲ را محکوم کردند . در اعلامیه دولت شوروی نیز تصمیم به اشغال چکسلواکی یک تصمیم گیری اشتباه آمیز نامید شده است . ● چرا عاقل کند کاری که به از آر پشیمانی ؟

رفقا !

در توزیع و پخش "کوردستان" کوشیم !

واحدی مدای گروهستان ایران

همه روزه : به دو زبان کردی و فارسی
سوج کوتاه و ردف های :

۴۹،۷۵ و ۴۱ متر

برنامه اصلی از ساعت ۱۲ الی ۲ بعد از ظهر
عین همین برنامه از ساعت ۸ الی ۹:۳۰
برنامه کردی روز بعد از ساعت ۷ الی ۸
موضوع پخش هرگز سردد .

کمک های مالی خود را به حساب بانکی زیر واریز :

C.C.P. PARIS 68040

MOZO FRANCE

و فیش بانکی آن را به این

آدرس بست نمایید :

A.F.R. B.P. 102 . 75623

PARIS

CEDEX 13 FRANCE